

میرگی‌های جوانان عاشورا

سیدصادق سیدنژاد

از کمالاتی که جوانان عاشورا به دلیل آراستگی به آن‌ها توانستند در ایفای وظایف خود موفق باشند اشاره می‌گردد:

الف. ایمان راسخ: جوانان پاکباز عاشورا به دلیل پرورش در دامن خانواده‌های مؤمن و پرهیزکار، به کامل‌ترین مراحل ایمان دست یافته بودند. به گونه‌ای که جز به اعتلای حق و حاکمیت احکام الهی به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند و حتی با اشتیاق تمام در این راه آماده شهادت بودند.

وقتی امام حسین (علیه السلام) در مسیر کربلا در منزل «قصر بنی مقاتل» به دنبال خوابی که دیده بودند جمله «انالله و انا الیه راجعون» را بر زبان آوردند. فرزند بزرگوارشان علی اکبر (علیه السلام) از آن حضرت علت این امر را سؤال کردند. حضرت فرمودند: در خواب دیدم سواری می‌گوید: این کاروان به سوی مرگ می‌رود.

علی اکبر در پاسخ به پدر عرض کرد: پدر جان مگر ما بر حق نیستیم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: چرا! آنگاه علی اکبر فرمود: در این صورت ما باکی از مرگ در راه حق نداریم.^(۱)

در شب عاشورا نیز وقتی امام حسین (علیه السلام) به اصحاب خود مژده شهادت در راه خدا می‌دادند، ناگهان حضرت قاسم، فرزند امام مجتبی (علیه السلام) رو امام کرده فرمودند: عموجان! آیا این فیض بزرگ شامل حال من نیز خواهد شد؟! امام حسین (علیه السلام) در حالی که سخت تحت تأثیر برادرزاده مهربان قرار گرفته بود، از او پرسیدند: پسر من در کام تو چه طعمی دارد؟ عرض کرد: مرگ در راه حق برای من شیرین‌تر از عسل است! آن‌گاه امام (علیه السلام) فرمودند: آری به خدا سوگند تو نیز یکی از کسانی خواهی بود که فردا به فیض عظیم شهادت نائل می‌آیی. وی از شنیدن این خبر بسیار خوشحال گشت.^(۲)

بدیهی است این گونه از خودگذشتگی حکایت والای یقین و ایمان دارد. لذا وقتی علی اکبر به عنوان اولین شهید

گرچه در کارنامه حیات اجتماعی بشر، حماسه‌های بسیار بزرگی در طول تاریخ به ثبت رسیده است، اما به اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران، هیچ یک از رخدادهای تاریخی قابل مقایسه با حماسه عاشورای امام حسین (علیه السلام) نیست. درباره علل امتیاز این نهضت از سایر قیام‌های آزادی‌بخش، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به یک اعتبار، استثنایی بودن این قیام در سه امر اساسی وجه امتیاز این قیام است:

رهبری قیام: اهداف و انگیزه‌های قیام: پیروان رهبری.

روشن است که پرداختن به این سه ویژگی نه کار آسانی است و نه در این مجال ممکن. هدف این نوشته آن است که به برخی از ویژگی‌های جوانانی که تا آخرین قطره خون خویش از رهبری و اهداف والای این نهضت دفاع کردند، اشاره شود. بدان امید که این کار در حد خود به آشنایی بیش‌تر نسل جوان جامعه اسلامی با اسوه و الگوهای جاودان نهضت عظیم عاشورا کمک کند و زمینه تأسی و تبعیت از ایشان را فراهم سازد.

همان‌گونه که در تمام حرکت‌های بزرگ اصلاح‌طلبانه و انقلاب‌های رهایی‌بخش حساس‌ترین مسئولیت‌ها بر عهده نیروهای توانمند جوان قرار داده می‌شود، در نهضت عاشورا نیز از همان ابتدا مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقش‌ها را نیروهای جوان عهده‌دار بودند، موفقیت در انجام تک‌تک این مسئولیت‌های خطیر جز از طریق آراسته بودن به فضیلت‌های والای انسانی و الهی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این جا به برخی

از بنی هاشم عازم میدان شدند، در توصیف ویژگی‌های اخلاقی و کمالات بلند الهی او فرمودند: پروردگارا شاهد باش که به مبارزه این مردم ستمگر جوانی را، که شبیه‌ترین مردم از نظر خلقت و اخلاق و گفتار به رسول تو بود، فرستادیم و ما هرگاه اشتیاق دیدار پیامبرت را پیدا می‌کردیم به چهره او نگاه می‌کردیم. (۳)

ب. بصیرت: در دوران حاکمیت حکومت اموی، به دلیل تبلیغات زهراگین علیه خاندان پیامبر ﷺ، تشخیص حقانیت امام حسین ﷺ کار آسانی نبود و حتی بسیاری از سیاستمداران بزرگ تحت تأثیر وضع حاکم، قیام آن حضرت را مورد انتقاد قرار می‌دادند و افراد به اصطلاح، خیرخواه، به امام ﷺ توصیه می‌کردند که دست از مخالفت یا یزید برداشته با او به گونه‌ای مصالحه کنند! در چنین موقعیتی عده‌ای از جوانان با بصیرت به ضرورت قیام امام حسین ﷺ پی برده و با تمام وجود به حمایت از او پرداختند و لحظه‌ای در این راه به خود تردیدی راه ندادند. امام صادق ﷺ در یک مورد وقتی به توصیف صفات و فضیلت بی‌نظیر فرمانده و پرچمدار لشکریان امام حسین می‌پردازد، می‌فرماید: خدا رحمت کند عمو می‌عباس را او از بصیرت و ژرف بینی بسیار نافذ و ایمان بسیار استوار برخوردار بود. به همراه اباعبدالله به جهاد پرداخت و در نهایت هم به فیض شهادت نایل آمد. (۴) در جایی دیگر، در این باره در زیارتنامه آن حضرت می‌خوانیم: گواهی می‌دهم که تو در امر دین و اعتقادات هیچ‌گونه سستی از خود نشان ندادی و از روی علم و آگاهی و بصیرت کامل به انجام وظیفه پرداختی و به شایسته‌ترین انسان اقتدا کردی و در این مسیر به شهادت رسیدی. (۵)

به برکت همین بینش ژرف و بصیرت کامل بود که دشمن از هر راه وارد شد تا بلکه طریقی او را از امام حسین ﷺ جدا سازد تا بدین ترتیب، ضربه سهمگین از درون نیروهای خودی به لشکریان جبهه حق وارد سازد که هرگز موفق نشد.

ج. وفاداری: در فرهنگ اسلامی وفا از نشانه‌های ایمان است. پیامبر اکرم ﷺ بارها تأکید می‌فرمودند: هر کس به خدا و عالم آخرت ایمان آورد، باید وفای به عهد و پیمان را لازم بشمارد و از آن تخلف ننماید. (۶) بارزترین صفت جوانان کربلا، وفاداری آنان به امام زمانشان است. چرا در سخت‌ترین شرایط، حاضر نشدند عهدی را که با امام خود بسته بودند نقض کنند. در میان اصحاب اباعبدالله، حضرت ابوالفضل العباس در آراستگی به این فضیلت از جایگاه امتیاز ویژه‌ای برخوردار بودند. نام عباس بن علی ﷺ، همیشه با صفت وفاترین است.

در عصر تاسوعا شمر از سوی عبیدالله بن زیاد، امان‌نامه‌ای را برای آن حضرت و برادرانش آورد. او در پاسخ به شمر فرمود: ما هرگز نیازی به امان شما نداشته‌ایم و نداریم. برای ما امان الهی کفایت می‌کند خداوند بر تو و بر امانی که برای ما آورده‌ای لعنت کند. آیا شما به ما امان می‌دهید، ولی فرزند رسول خدا را مورد تعرض قرار می‌دهید. هرگز ما حاضر به پذیرش چنین کاری نخواهیم شد. (۷)

شب عاشورا نیز زمانی که امام حسین ﷺ همه یاران خود را در خیمه جمع کردند، به آن‌ها فرمودند: هر کس یا من بماند سرنوشتش شهادت است. هر کس دوست دارد که از معرکه خود راجعت دهد، هم اینک از تاریکی استفاده کرده و خود را به جای امنی برساند و از ناحیه من در این باره هیچ‌گونه منعی نیست. در ضمن این مردم با ما کار دارند نه با شما...

چون سخنان امام حسین ﷺ به پایان رسید، نخستین کسی که لب به سخن گشود، عباس بن علی ﷺ بود. وی خطاب اباعبدالله فرمود: برای چه این کار را بکنیم و تو را تنها بگذاریم آیا این کار را به خاطر چند روز زنده ماندن انجام بدهیم، هرگز خداوند آن روز را نیاورد. (۸)

با اشاره به نهایت وفاداری علمدار کربلا، امام صادق ﷺ می‌فرماید: شهادت می‌دهم که در برابر جانشین رسول خدا ﷺ همواره تسلیم بودی... همیشه به جهت خدا وفادار ماندی و لحظه‌ای از خیرخواهی بر او کوتاهی نکردی... (۹)

د. ادب: از ویژگی‌های دیگر یاران امام حسین ﷺ به ویژه جوانان کربلا آراستگی به فضیلت ادب است و در این میان، قمر بنی‌هاشم دارای منزلت خاصی است. به شهادت تاریخ، حضرت عباس ﷺ بدون اجازه در کنار امام حسین ﷺ نمی‌نشست، و هنگامی که اجازه در حضور برادر می‌نشست، همانند یک بنده در مقابل مولای خود بر روی دوزانو

در کمال تواضع می‌نشست. (۱۰) نقل شده است که آن حضرت در طول عمر خود هرگز امام حسین ﷺ را برادر خطاب نکرد بلکه اغلب در صدا زدن امام ﷺ از تعبیری چون: سرور من، ای پسر رسول خدا ﷺ... استفاده می‌کرد. گویا فقط یک‌بار، آن هم در لحظه‌ای که پس از نبرد با دشمنان زمان شهادت آن حضرت فرا رسیده بود، امام حسین ﷺ را با عنوان برادر جان صدا می‌زدند و شاید بارزترین صحنه اظهار ادب حضرت ابوالفضل العباس ﷺ، آن لحظه‌ای است که چون پس از جنگ سخت با دشمنان خود را به شریعه فرات رساند و مشک را پر از آب ساخت تا اطفال امام حسین ﷺ را سیراب سازد، در همان لحظه وقتی دو دست خود را پر از آب کرد تا کام تشنه خود را با جرعه آب سیراب کند، ناگهان به یاد عطش امام و مولای خود افتاد و بی‌درنگ آب را بر زمین ریخت و با لب تشنه و در حالی که این دو بیت را زیر لب زمزمه می‌کرد به سمت خیمه‌های امام حسین ﷺ حرکت کرد:

یا نفس من بعد الحسین هوئی و بعده لا کنت ان تکوئی
هذا الحسین وارث المؤمن و تشریین باراد المعین
تالله ما هذا فعال دینی (۱۱)

«ای نفس زندگی بعد از حسین خواری و ذلت است. مبادا بعد از او زنده بمانی که دچار این ذلت شوی.

این حسین است که با لب تشنه در معرض خطر مرگ قرار گرفته است. آیا تو با این حال می‌خواهی آب خنک و گوارا بنوشی؟

سوگند به خدا این‌گونه رفتار کردن دور از ادب است و یا دین و اعتقاد همخوانی ندارد. ه. پایبندی به احکام و ارزش‌ها: ویژگی دیگر اصحاب امام حسین ﷺ، پاسداری از احکام الهی و پافشاری بر ارزش‌های اصیل دینی است. همان‌گونه که، خود امام حسین ﷺ حتی در بحبوحه جنگ به محض این‌که متوجه می‌شوند وقت نماز است، دست از جنگ برداشته مشغول نماز می‌شوند. خوه‌ر بزرگوارشان حضرت زینب ﷺ نیز با شهادت حضرت ﷺ، علی‌رغم، تحمل آن همه مصائب حتی در شب یازدهم عاشورا نماز شب خود را ترک نمی‌کنند و طبق معمول پس از نماز شب به راز و نیاز و مناجات با پروردگار مشغول می‌شوند. همان‌طور که بعضی مورخین ذکر کرده‌اند شخصی به نام سهل به سعد نقل می‌کند که هنگام ورود کاروان اسرای کربلا به شام، در کنار دروازه دمشق یومد که دیدم مردم به جشن و پایکوبی مشغولند. از دیدن این صحنه و وضع نامناسب اهل بیت ﷺ امام حسین ﷺ بسیار متأثر شدم. در فرصتی که به دست آمد خودم را به کنار محمل حضرت سکیه دختر امام حسین ﷺ رساندم. خودم را به آن بانوی بزرگوار معرفی کردم. غصه کردم: یانوی من از شیعیان پدر بزرگوار تو هستم اگر کاری داشته باشید حاضرم آن را انجام دهم.

سهل بن سعد می‌گوید: حضرت سکیه به محض شنیدن این سخن به من فرمودند: به نیه‌داری که این سر مبارک را با خود حمل می‌کند بگو کمی جلوتر حرکت کند بلکه مردم مشغول تماشای سر یشوند و در نتیجه از نگاه کردن به سر و صورت حرم رسول خدا ﷺ خودداری کنند. (۱۲)

از این حکایت به خوبی روشن می‌شود که علی‌رغم تحمل داغ پدر و برادران و عموها و... بی‌احترامی‌های سربازان بی‌رحم یزید، در چنان شرایطی نیز لحظه‌ای از حجاب این حکم ارزشمند اسلامی غافل نبوده است. در حد توان تلاش کرده است تا از آن پاسداری نموده و از به خطر افتادن آن جلوگیری به عمل آورد.

علاوه بر موارد مذکور، صبر و استقامت، شجاعت و شهامت، ایثار و فداکاری، عفو و بخشش، آزادگی و عزت نفس و اخلاص و رافت و... بخشی دیگر اوصاف جوانان عاشورا است.

امید که با تأمل در اوصاف جوانان عاشورایی، آنان را الگوی زندگی خویش قرار دهیم.

پی‌نوشت

۱. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۶
۲. مدینه المعجزه، ص ۲۶۱
۳. بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۳
۴. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۳۰
۵. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۷
۶. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۵۱
۷. منتخب التواریخ، ص ۲۵۸
۸. بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۹۳
۹. سردار کربلا، ص ۲۲۹
۱۰. مقتل الحسین، ص ۲۲۶
۱۱. معالی السیفین، ج ۱، ص ۲۲۳
۱۲. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

